

سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی

در ایران ۱۴۰۴

ملیحه رمضان*

سیدجواد امام جمعه‌زاده**

سیدامیرمسعود شهرام‌نیا***

فرهاد عباسی****

چکیده

جریان‌های سیاسی موجود در هر نظام سیاسی، پدیده‌ای بسیار مهم و نقش‌آفرین در تاریخ و تحولات جوامع به شمار می‌روند؛ بر این اساس شناخت وضعیت فعلی، آینده و عوامل تأثیرگذار بر آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. آینده‌پژوهی دانش تحلیل، طراحی و شکل‌دادن به آینده است. با توجه به گسترش آینده‌پژوهی و کاربرد همه‌جانبه آن در حوزه‌های گوناگون زندگی سیاسی-اجتماعی انسان‌ها، در این مقاله تلاش می‌شود به بررسی سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ بپردازیم. به‌منظور نگارش سناریوها از روش ماتریس عدم قطعیت‌ها استفاده کرده‌ایم، بدین صورت که در ابتدا مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی ایران در حوزه‌های مختلف مطرح شده و در ادامه با استفاده از نظرسنجی از افراد متخصص و صاحب‌نظر، پیشران‌هایی که از بیشترین میزان اهمیت و تأثیرگذاری برخوردارند، به‌عنوان پیشران‌های کلیدی جریان‌های سیاسی انتخاب شده و در نهایت بر اساس آنها به نگارش سناریوها پرداخته‌ایم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است. با توجه به دو عدم قطعیت مهم رهبری و مردم، چهار سناریو برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران می‌توان در نظر گرفت که سناریوی نخست به‌عنوان مطلوب‌ترین آینده برای جریان‌های سیاسی ایران است. در این زمینه عدم توجه به عناصر وحدت‌بخش مردم در نظام سیاسی و بی‌توجهی به عوامل چالش‌زا و تهدیدآفرین خارجی و داخلی می‌تواند حوزه جریان‌های سیاسی و آینده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشیده و آینده مطلوب در حوزه جریان‌های سیاسی را محقق نسازد.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، سناریو، عدم قطعیت، جریان‌های سیاسی، انقلاب اسلامی ایران

Email: ramezani_965@yahoo.com

* دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

Email: javademam@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

Email: m_shahramnia@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

Email: farhadabbasi785@yahoo.com

**** مربی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور مازندران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۲

تاریخ ارسال: ۹۵/۱۰/۱۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وششم / شماره ۸۳ / تابستان ۱۳۹۶ / صص ۱۶۳-۱۳۱

جستار گشایی

شرایط و فضای حاکم بر عرصه‌های گوناگون زندگی انسان‌ها در عصر جدید دارای عناصر و خصوصیتی از قبیل عدم قطعیت، پیچیدگی و تغییرات شتابان است که بر فضای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها تأثیر می‌گذارد. مواجهه مطلوب و همراه با موفقیت در این شرایط جدید نیازمند ابزارهای جدیدی است که آینده‌پژوهی به‌عنوان یکی از موفق‌ترین این ابزارها است. جریان‌های سیاسی موجود در هر نظام سیاسی پدیده‌ای بسیار مهم و نقش‌آفرین در تاریخ و تحولات جوامع به شمار می‌روند. بر این اساس شناخت وضعیت فعلی و آینده آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. در عرصه جریان‌های سیاسی شناخت روندهای پیش‌رو، پیشران‌ها و پدیده‌های نوظهور در آینده اهمیت زیادی داشته و کشورها بر اساس آن می‌توانند تصمیمات و اقداماتی اتخاذ کنند که منجر به بقای نظام سیاسی شود. بنابراین با توجه به اهمیت آینده‌پژوهی به‌عنوان حوزه‌ای بین‌رشته‌ای برای بررسی مسائل و پدیده‌ها و با توجه به ضرورت شناخت جریان‌های سیاسی موجود در هر جامعه به‌عنوان یکی از عوامل مهم و نقش‌آفرین در حیات دولت‌ها، این مقاله در تلاش است تا با استفاده از سناریونویسی، صورت‌بندی از آینده جریان‌های سیاسی در ایران ارائه کند. در بین روش‌های مختلف آینده‌پژوهی سناریونویسی یکی از روش‌هایی است که در فضای ابهام‌آمیز و عدم قطعیت به کار می‌رود. بر این اساس پرسش اصلی مقاله این است که چه سناریوهایی می‌توان برای صورت‌بندی آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ در نظر گرفت و سناریوی مطلوب ج.ا. کدام است؟ با توجه به اینکه پژوهش اکتشافی بوده لذا فاقد فرضیه است. بنابراین بهترین صورت ممکن از انسجام جریان‌های سیاسی در آینده و پیش‌بینی جریان‌های سیاسی در قالب سناریوهای محتمل طراحی خواهد شد. در واقع تلاش اصلی در این مقاله بر آن است تا حدسی از صورت‌بندی آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ بر پایه تکنیک سناریونویسی ارائه دهیم و لذا به دنبال فرجام‌شناسی از آینده جریان‌های سیاسی در ایران نیستیم. بر این اساس با استفاده از روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، ابتدا تلاش می‌شود مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی ایران مورد شناسایی قرار گرفته، در ادامه با رتبه‌بندی هر یک از این پیشران‌ها بر اساس میزان اهمیت و عدم قطعیت، به شناسایی عدم قطعیت‌های کلیدی تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی پرداخته و درنهایت با ساخت ماتریس سناریوها بر اساس عدم قطعیت‌های کلیدی، سناریوهای مرتبط با آن مطرح شده و از بین آن مطلوب‌ترین سناریو برای آینده جریان‌های سیاسی ایران مورد شناسایی قرار گیرد.

پیشینه بحث. در ارتباط با موضوع مورد نظر مقاله، کتاب، مقاله یا منبعی که به بررسی سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ پردازد، وجود ندارد؛ البته کتب و منابعی وجود دارد که بر اساس آن می‌توان به بررسی موضوع پرداخت. به‌طور کلی منابع موجود در ارتباط با موضوع مورد نظر را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. دسته نخست منابعی است که بر اساس آن می‌توان به بررسی آینده‌پژوهی، ویژگی‌ها، روش‌ها، مؤلفه‌ها و به‌عبارت‌دیگر مهم‌ترین مبانی آن پرداخت. دسته دوم نیز شامل منابعی است که بر اساس آن می‌توان جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تاکنون (۱۳۹۴) را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در ادامه به بررسی مهم‌ترین منابع موجود، نقاط ضعف و قوت هر یک از آنها و ویژگی اساسی این مقاله که آن را از نوشته‌های دیگر متمایز می‌سازد، می‌پردازیم.

حاجیان (۱۳۹۱) در «مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی» به بررسی مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی پرداخته است. نویسندگان در این کتاب به تعریف آینده‌پژوهی و دیگر مفاهیم مشابه با آن، اهداف و اهمیت آینده‌پژوهی، ارتباط آن با سایر علوم پرداخته است. تفاوت این کتاب با مقاله حاضر در این است که تنها کلیات آینده‌پژوهی، نحوه شناخت آن و به‌طور کلی مباحث مرتبط با چگونگی فهم آینده و روش‌های آن را مورد بررسی قرار داده، ولی به آینده جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران نپرداخته است.

نیشه‌یار (۱۳۹۱) در «آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک» به بررسی آینده‌پژوهی و ضرورت آن در حوزه مطالعات استراتژیک پرداخته است. این کتاب با نگاهی به پیشینه آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک، به بررسی شیوه کارکرد الگوهای آینده‌پژوهی در مطالعات استراتژیک پرداخته و مهم‌ترین اصول تفکر آینده‌پژوهی را بر اساس الگوی سناریونویسی مطرح کرده است. این کتاب نیز بیشتر در جهت فهم آینده‌پژوهی و مهم‌ترین ویژگی‌های آن سودمند است، اما در ارتباط با جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ارائه سناریوهای احتمالی آن مطلبی را ارائه نکرده است.

«برنامه‌ریزی سناریویی در سازمان: چگونگی خلق، به‌کارگیری و ارزیابی سناریوها» (چرمک، ۱۳۹۴) از جمله کتاب‌های مهمی است که در زمینه چگونگی نگارش و تدوین سناریوها و مراحل آن مفید است. در این کتاب بنیان‌های برنامه‌ریزی سناریویی، مراحل سناریونویسی و چگونگی نگارش سناریوها با ذکر نمونه‌هایی از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب این کتاب از جمله منابعی است که در زمینه نگارش سناریو مفید بوده و از نکات آن می‌توانیم در ارتباط با چگونگی نگارش سناریوهای جریان‌های سیاسی ایران استفاده کنیم، درحالی‌که مطالب کتاب دربردارنده جریان‌های سیاسی ایران و آینده آن نیست.

«تحلیلی بر چارچوب مطالعاتی آینده انقلاب اسلامی ایران» از جمله کتاب‌های دیگر در این زمینه است (عیوضی، ۱۳۹۳). در این کتاب با بررسی آینده‌پژوهی، اهداف، ضرورت‌ها و روش‌های آن، خصوصیات انقلاب اسلامی و نقشه آینده آن بر اساس آرمان‌ها و اهداف را ترسیم کرده و ضمن اشاره به مسائل نوظهور و پیش روی انقلاب اسلامی ایران و آینده آن در ابعاد مختلف، سناریوهای مطرح آینده انقلاب اسلامی را به‌منظور شناسایی آینده مطلوب مورد بررسی قرار داده است. این کتاب نیز از جمله منابعی است که هم در زمینه سناریونویسی و مسائل مرتبط با انقلاب اسلامی بسیار مفید است، اما به جریان‌های سیاسی ایران و آینده آن مسائلی را نپرداخته است.

«مبانی آینده‌پژوهی» (بل، ۱۳۹۲) نیز از جمله کتاب‌های دیگر در این رابطه است. این کتاب بیشتر به بررسی کلیات و مبانی آینده‌پژوهی پرداخته که در آن مهم‌ترین اهداف آینده‌پژوهی، مفروضات آینده‌پژوهی، معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی و انواع روش‌ها و نمونه‌های آینده‌پژوهی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین این کتاب بیشتر در زمینه فهم خود آینده‌پژوهی و مهم‌ترین مفروضات آن به ما کمک می‌کند. در واقع این کتاب مباحث نظری آینده‌پژوهی و مهم‌ترین مفروضات و اصول آن را شامل می‌شود، اما دربرگیرنده موضوع مورد بحث مقاله نیست؛ بلکه بیشتر به‌عنوان منبعی مهم برای فهم آینده‌پژوهی مفید و مؤثر است.

پدرام (۱۳۹۳)، «درآمدی بر آینده‌پژوهی اسلامی»، کتاب دیگری است که با تلفیق دو مقوله آینده‌پژوهی و مباحث اسلامی به بررسی موضوع پرداخته است. این کتاب در واقع نگاه و رویکردی جدید به مقوله آینده‌پژوهی داشته و تلاش کرده با تلفیق آن با اسلام، چگونگی تحقق و به‌کارگیری این مقوله را در مباحث دینی مورد ارزیابی قرار دهد. به همین دلیل از جمله منابعی است که در بررسی موضوع مورد بحث مقاله مفید است، اما در ارتباط با روش سناریونویسی و جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران مطلب خاصی را ارائه نکرده است.

«آینده اسلام سیاسی در مصر با توجه به تحولات سال‌های ۲۰۱۱ به بعد»، رساله دکتری (رکوعی، ۱۳۹۳) است که در آن سناریوهای آینده اسلام سیاسی در مصر مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده با ترکیبی از روش‌های آینده‌پژوهی از قبیل ماتریس عدم قطعیت‌ها، تحلیل ریخت‌شناسی، کاهش ناسازگاری‌های زمینه‌ای به بررسی آینده اسلام سیاسی در مصر پرداخته است. این رساله نیز هم از لحاظ بررسی روش ماتریس عدم قطعیت‌ها و هم از لحاظ سناریونویسی و چگونگی آن، دید روشنی را برای نویسندگان مقاله فراهم می‌کند، اما در ارتباط با جریان‌های سیاسی در ایران و تحولات و آینده آن مطلب خاصی را ارائه نکرده است.

لیندگرن و باندهود (۱۳۸۶) در کتاب «طراحی سناریو» تلاش شده است تا طراحی سناریو را به‌عنوان یکی از روش‌ها و فنون بررسی آینده مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داده و مهم‌ترین اصول، مبانی و شیوه‌های آن را بررسی کند. این کتاب نیز در ارتباط با فهم سناریونویسی مفید بوده و بر اساس آن می‌توان به بررسی موضوع مورد نظر پرداخت، اما در ارتباط با جریان‌های سیاسی و آینده آنان که نکته مهم و اساسی مورد توجه این رساله است، مطلبی ارائه نکرده است.

خواجه‌سروی (۱۳۸۲) در کتاب «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، ضمن بررسی مفهوم رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، رقابت سیاسی و نوسانات ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را در دوره‌ها و مقاطع مختلف بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار داده است. در ذیل بررسی این موضوع، نویسنده به بیان مهم‌ترین نیروهای سیاسی رقیب از جمله نیروی مذهبی، لیبرال، سوسیال و التقاطی و مبانی فکری آنان در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته و در ادامه رقابت سیاسی و ثبات سیاسی کنترل‌شده در سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۶۴ را مورد ارزیابی قرار داده است. این کتاب در زمینه فهم مهم‌ترین نیرو و جریان‌های سیاسی در ایران مفید است. می‌توان گفت با توجه به اهمیت بحث جریان‌های سیاسی در شکل‌دهی به تحولات و رخدادهای موجود در جامعه، تاکنون کارهای زیادی در ارتباط با جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران انجام‌نشده است و منابع موجود در این زمینه بیشتر به بررسی خود جریان‌ها پرداخته‌اند و در ارتباط با آینده آنها تحقیقاتی صورت نگرفته است. ویژگی اصلی این پژوهش که آن را از سایر منابع متمایز می‌کند، پرداختن به بحث آینده‌پژوهی و به‌کاربردن آن در حوزه جریان‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران است. مقاله حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف یک تحقیق آینده‌پژوهی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. از آنجا که به دنبال شناسایی آینده است، از راهبرد فرضیه آزما بهره نمی‌گیرد. به دلیل بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های کیفی، روش تحقیق آن کیفی محسوب می‌شود. به‌منظور بررسی موضوع و شناسایی پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های مهم و کلیدی تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی ایران از روش ماتریس عدم قطعیت‌ها استفاده شده است.

سناریوسازی یکی از شیوه‌های رایج آینده‌پژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و روندهای آینده، تصویری باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند (لیندگرن و باندهود، ۱۳۹۰: ۳۶). طراحی سناریو یک روش برای توسعه و تفکر درباره موقعیت‌های آینده ممکن بر اساس چندین سناریوی مختلف است (Schoemaker, 1995: 26). برای درک صحیح از سناریو، در ابتدا لازم است ماهیت عدم قطعیت‌ها تبیین شود. بنابراین عدم قطعیت‌ها به عواملی

اشاره دارند که نتایج آنها شناخته شده است، اما هنوز اتفاق نیفتاده‌اند. در نتیجه با توجه به توضیحات بالا، منظور از عدم قطعیت در این مقاله، میزان غیرمترقبه بودن تحولات و اتفاقاتی است که در آینده (افق زمانی سناریوها) رخ خواهد داد.

به طور کلی روش‌های مختلفی برای طراحی سناریو رواج یافته است که یکی از پرکاربردترین و قدرتمندترین روش‌های تدوین سناریو، روش ماتریس عدم قطعیت‌ها یا روش دو محور است که برای نخستین بار توسط شرکت نفتی شل مورد استفاده قرار گرفت. این الگو در تمام دنیا در سناریوسازی حاکم است. در این روش، تدوین سناریو یک روش سازمان‌یافته است که در آن با استفاده از کشف نیروهای پیشران کلیدی و عناصر نسبتاً معین و عدم قطعیت‌های مؤثر سناریوها تدوین می‌شوند. سناریوها در واقع چندین الگوی متمایز از آینده‌های ممکن هستند که کشف و تعریف می‌شوند و همواره در مجموعه‌هایی حاوی بیش از یک سناریو، برای بیان عدم قطعیت آینده ظاهر می‌شوند. منظور از عدم قطعیت‌های کلیدی مسائلی درباره آینده یک پدیده است که پیش‌بینی آن دشوار است، ولی تأثیر چشمگیری بر موفقیت برنامه‌های در دست اجرا دارد. در واقع آن دسته از عوامل محیطی را که در طراحی سناریوها، دارای بالاترین میزان اثرگذاری و عدم قطعیت باشند، عدم قطعیت‌های کلیدی گویند. همچنین منظور از عناصر نسبتاً معین یا موضوعات قابل برنامه‌ریزی، آن دسته از فضاهای فرصت هستند که به هیچ یک از حلقه‌های زنجیره حوادث وابسته نیستند. اگر فضای فرصتی فارغ از به وقوع پیوستن سناریویی از پیش مشخص باشد، آن فضای فرصت یک عنصر نسبتاً معین یا موضوعی مناسب برای برنامه‌ریزی است. پدیده‌هایی با تغییرات کند و آهسته، همچون رشد جمعیت یا واقعیت‌های موجود، مثل نسبت جوانان یک کشور به کل جمعیت آن کشور، از این دست عناصر نسبتاً معین می‌باشند (رکوعی، ۱۳۹۳: ۲۴).

درواقع در روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، با تقسیم فضای رتبه‌بندی هر یک از پیشران‌ها می‌توان مسائل را به مناطق کلی زیر تقسیم کرد:

تأثیر بالا- عدم قطعیت پایین

تأثیر پایین- عدم قطعیت پایین

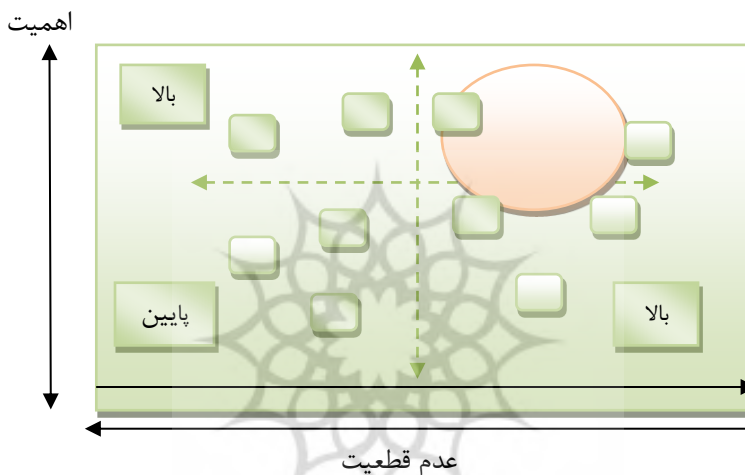
تأثیر پایین- عدم قطعیت بالا

تأثیر بالا- عدم قطعیت بالا.

بر این اساس مسائل دارای رتبه‌بندی تأثیر بالا- عدم قطعیت پایین، مسائلی عمده اما دارای ثبات نسبی هستند. می‌توان به مسائلی که دارای تأثیر پایین- عدم قطعیت پایین هستند، به سرعت پرداخت. به طور کلی این مسائل نیازی به سرمایه‌گذاری زیاد تحلیل برای درک بهتر

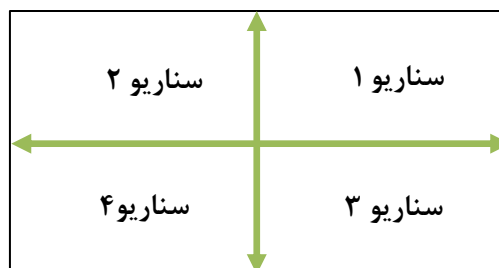
ندارند. عناصر این دو طبقه‌بندی بنا به تعریف، عناصر از پیش مشخص هستند. مسائلی که به‌عنوان تأثیر پایین- عدم قطعیت بالا رتبه‌بندی می‌شوند، نیاز به تحقیقات بیشتر به دلیل رتبه‌بندی بالای عدم قطعیت دارند. رتبه‌بندی‌های عدم قطعیت‌های بالا به معنای آن است که نتایج پایانی این مسائل ناشناخته هستند. سرانجام مسائل و عناصر دارای برچسب تأثیر بالا-عدم قطعیت بالا را عدم قطعیت‌های بحرانی می‌نامند (شکل ۱). آنها دارای توان بالقوه تغییر بنیادین فرض‌های دستور کار راهبردی و مسائلی با نتایج بسیار قطعی هستند. از این عدم قطعیت‌های بحرانی برای ساخت منطق سناریوها استفاده می‌شود (چرمک، ۱۳۹۴: ۱۷۹-۱۷۸).

شکل (۱) - عدم قطعیت‌های بحرانی



درواقع منطق سناریوها بر اساس انتخاب دو عدم قطعیت بحرانی و طرح‌ریزی آنها در یک ماتریس ۲ * ۲ ساخته می‌شوند. عدم قطعیت بحرانی مسائلی با رتبه بالا در تأثیرگذاری بالقوه و عدم قطعیت هستند. با ترکیب دو عدم قطعیت بحرانی، محورهای چهار سناریو ظاهر می‌شوند:

شکل (۲) - ماتریس سناریوها



بدین ترتیب می‌توان گفت در جهان کنونی که مشخصه‌های آن عدم قطعیت، نوآوری و تغییر مداوم است، تفکر سناریویی و سناریونویسی به‌عنوان یک ابزار یا تکنیک مفید برای مقابله با این عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌ها ایجاد و توسعه‌یافته است که بر مبنای آن می‌توان با شناخت از آینده تغییر و تحولات به‌وجودآمده در آن، شرایط تهدیدآفرین و بحران‌زا را به موقعیت‌های مناسب سیاسی تبدیل کرد و شرایط و زمان کنونی را بر اساس آن مدیریت نمود. این امر مستلزم شناخت صحیح از آینده‌های ممکن پیش‌رو، عوامل تأثیرگذار بر آن و شناخت پدیده‌های نوظهور و شگفتی‌سازی است که آینده را در معرض تغییر و تحول چشمگیر قرار می‌دهند.

۱. جریان‌های سیاسی ایران

جریان به معنای مجموعه‌ای از اعمال، رویدادها و اندیشه‌ها است که در جهت رسیدن به هدفی خاص است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۸۶۹). در تعریف دیگر، جریان عبارت است از تشکل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۷). جریان‌شناسی سیاسی، کاوش در جهت‌گیری‌ها و سوبه‌های سیاسی به نحوی است که به درک و تشخیص ریشه‌های فکری آنها منجر شود. به‌عبارت‌دیگر، شناخت مبانی مورد اتکا و استناد در اتخاذ روش‌ها، راهبردها و استراتژی‌های سیاسی، مشخص‌ترین و فوری‌ترین هدف جریان‌شناسی سیاسی است (عیوضی، ۱۳۸۵: ۱۶). در ماهیت جریان‌شناسی، استمرار بودن جریان، نه صرف یک رخداد و حادثه تاریخی به‌عنوان نکته‌ای مهم و اساسی باید مورد توجه قرار گیرد. جریان‌ها به لحاظ کمی دارای سطوح مختلفی هستند. از این زاویه، می‌توان در داخل هر جریان، خرده جریان‌هایی را شناسایی کرد (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۱).

از زمان مشروطه تاکنون شاهد حضور طیف وسیعی از جریان‌های سیاسی با دیدگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی مختلف و متضاد در جامعه ایران بوده‌ایم. این روند در سال‌های نخست بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ادامه داشته است. عمده‌ترین جریان‌های سیاسی ایران از زمان مشروطه تاکنون را می‌توان شامل پنج جریان مذهبی اسلامی، چپ (مارکسیستی)، تجددگرا، ملی‌گرایی (ناسیونالیستی) و سلطنت‌طلب دانست. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان نقطه عطفی در حوزه جریان‌های سیاسی محسوب می‌شود. با پیروزی انقلاب اسلامی شاهد حذف جریان سلطنت‌طلب در عرصه سیاسی ایران و تبدیل شدن آن به یک جریان سیاسی اپوزیسیون علیه نظام جمهوری اسلامی ایران هستیم. همچنین سایر جریان‌های سیاسی اگرچه در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی در جامعه حضور داشته و به فعالیت مشغول بودند، به دلیل ماهیت اصلی فعالیت و اقدامات آنان، توسط نظام جمهوری اسلامی ایران مهار شده و

تبدیل به جریان اپوزیسیون گردیدند. به‌عنوان مثال جریان‌های چپ یا مارکسیستی اگرچه در سال‌های نخست انقلاب حضور داشتند، اما به‌تدریج با آشکارشدن ماهیت اقدامات و عملکرد آنان کنترل شد.

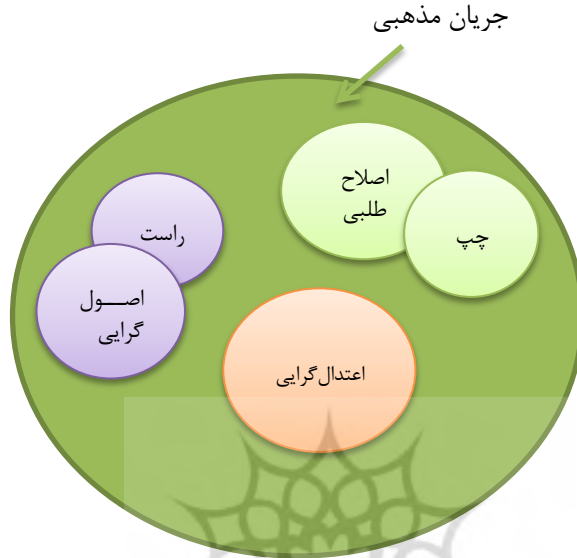
برخی دیگر از این جریان‌های سیاسی برای اینکه بتوانند خود را با شرایط ناشی از تحول صورت‌گرفته در اثر انقلاب سازگار کرده و به فعالیت بپردازند، ذیل عنوان جدید و با ایجاد تلفیق در دیدگاه‌های خود با مبانی دیگر جریان‌های سیاسی به فعالیت مشغول شدند. در این زمینه می‌توان از ملی-مذهبی‌ها نام برد؛ به‌تدریج و با توجه به اتخاذ رویکردهای گوناگون از سوی آنان که بیشتر ماهیتی سکولار در جامعه داشته است، شاهد شکل‌گیری تحولاتی در سال‌های آینده ایران هستیم. به‌عنوان مثال در جریان انتخابات ۱۳۸۸ و تحولات بعد از آن، تأثیرپذیری این جریان فکری-سیاسی را می‌توان مشاهده کرد.

جریان اسلام‌گرایی را می‌توان به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های سیاسی در عرصه تحولات سیاسی ایران به شمار آورد. با پیروزی انقلاب اسلامی، جریان اسلام‌گرا به یکی از جریان‌های مهم و عمده تبدیل شد. از لحاظ گستره و سازمان‌یافتگی تشکیلاتی، حزب جمهوری اسلامی در میان این نیروها شاخص بارزی بود که بدنه اصلی این نیرو را در سطح اجتماعی سامان می‌داد. جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بخش روحانیت این نیرو را سامان می‌داد و انجمن‌های اسلامی مختلف مثل انجمن اسلامی معلمان در میان فرهنگیان آموزش‌وپرورش و نیز انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها، حیات این نیرو را در مراکز فرهنگی تقویت می‌کردند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۷ تشکیل شد، سازوکار انسجام تشکیلاتی، برنامه‌ریزی و حراست امنیتی را بر عهده داشت (خواجeh سروی، ۱۳۸۲: ۲۲۵).

این طیف با دارابودن گستره وسیعی از افراد تأثیرگذار و اطاعت و حمایت از رهبری نهضت توانست در عرصه سیاسی کشور به‌عنوان تأثیرگذارترین گروه سیاسی حضور یابد. بدین ترتیب می‌توان گفت جریان اسلامی در فاصله سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین جریان سیاسی در عرصه سیاست ایران بوده و همواره تلاش کرده با بیان دیدگاه‌ها و مواضع؛ مرز خود را با دیگر جریان‌های سیاسی مشخص کرده و با نظریه‌پردازی به حل فضای بحرانی و شرایط انقلابی حاکم بر جامعه ایران بپردازد. نکته قابل ذکر در ارتباط با این جریان سیاسی آن است که در درون این جریان سیاسی در فاصله سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد شکل‌گیری خرده‌جریان‌هایی هستیم که همگی با عنوان جریان مذهبی یا دینی

به فعالیت مشغول بوده و البته در برخی از زمینه‌ها دارای تفاوت‌هایی با هم بوده‌اند. شکل زیر نشان‌دهنده این موضوع است:

شکل (۳) - عمده‌ترین خرده‌جریان‌های درون جریان مذهبی



بر این اساس می‌توان گفت جریان مذهبی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شامل اصلاح‌طلبی، اصول‌گرایی و اعتدال‌گرایی است که از درون جریان دینی شکل گرفته‌اند. اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در دهه ۱۳۷۰ وارد عرصه جریان‌های سیاسی ایران شد که قبل از آن با عنوان چپ و راست در عرصه‌های گوناگون زندگی سیاسی-اجتماعی جامعه ایران بعد از انقلاب حضور داشته‌اند.

۲. پیشران‌های جریان‌های سیاسی ایران

به‌منظور بررسی آینده باید عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده هر موضوع یا پدیده را مورد ارزیابی قرار داد و با شناخت صحیح هر یک از این مؤلفه‌ها به برنامه‌ریزی و اتخاذ تصمیمات راهبردی و متناسب با آینده مسائل و موضوعات به‌منظور تبدیل شرایط پیش روی آینده به فرصت‌های مناسب پرداخت. همان‌طور که اشاره کرده‌ایم، برای نگارش سناریوها نیازمند شناسایی نیروهای شکل‌دهنده به آینده یا پیشران‌ها هستیم تا با ارزیابی هر یک از این عوامل به نگارش سناریوها بپردازیم.

در متون آینده‌اندیشی، پیشران‌ها اشاره به نیروهای عمده شکل‌دهنده آینده دارد. پیشران‌ها به‌صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های مختلف تأثیر می‌گذارند. به‌عبارت‌دیگر، مؤلفه‌ها یا عوامل

اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه مورد مطالعه می‌شوند. در واقع نیروهای پیشران مفهومی است که بیشتر در طراحی سناریوها مورد استفاده قرار می‌گیرد و منظور آن نیروهایی است که بر پیامد رویدادها اثر دارند. به عبارت دیگر عناصری که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان‌ها را مشخص می‌کنند (شوراتز، ۱۹۹۹). در حوزه سیاسی نیز طیف وسیعی از عوامل در سطوح گوناگون به نحوی در شکل‌دهی به جریان‌های سیاسی مؤثر می‌باشند. جریان‌های فکری - سیاسی زاینده نیازهای زمان بوده و تحت تأثیر تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، جریان‌های سیاسی موجود در جامعه و تغییر و تحولات صورت‌گرفته در آنها تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. در نگاره زیر مهم‌ترین پیشران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر جریان‌های سیاسی ایران مورد نشان داده شده است:

نگاره شماره (۱) - مهم‌ترین پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی ایران

سیاسی	اجتماعی	اقتصادی	فرهنگی
شرایط سیاسی - اجتماعی زمان انتخابات	وحدت و انسجام ملی	اقتصاد مقاومتی	گرایش به فرهنگ بیگانه
مطالبات مردم	ثبات اجتماعی	دولت رانتیر	رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی
رهبری	مسئله قومیت‌ها	مشارکت اقتصادی مردم	رویکرد فرهنگی هوشمندانه، منفعلانه و هژمونیک
حضور فعال شخصیت‌های سیاسی	شرایط زیست‌محیطی	محدودیت‌های اقتصادی خارجی	
رابطه دین و سیاست	سرمایه اجتماعی		
مردم‌سالاری دینی	گرایش‌های عرفانی منهای شریعت		
رقابت‌های سیاسی - اجتماعی	افراطی‌گری دینی		
بحران‌های سیاسی	فساد اجتماعی		

با توجه به نگاره بالا می‌توان گفت عوامل گوناگونی در سطوح مختلف بر جریان‌های سیاسی ایران و آینده آن تأثیرگذار هستند که در نگاره بالا مهم‌ترین این عوامل نشان داده شده است. بررسی این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده اهمیت حوزه جریان‌های سیاسی و تأثیرپذیری آن از شرایط و

عناصر گوناگون است که لزوم توجه هر چه بیشتر به این مؤلفه‌ها را در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی مربوط به آینده ایجاب می‌کند.

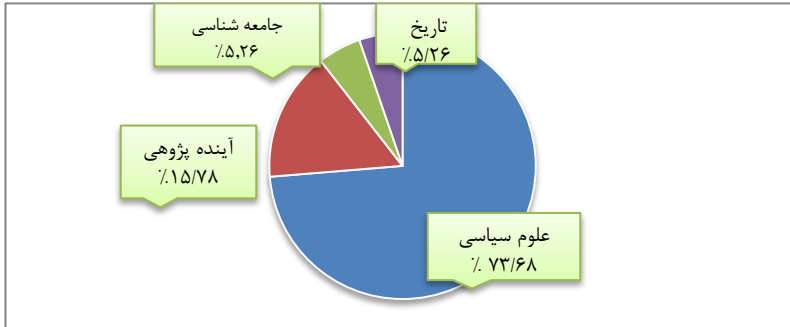
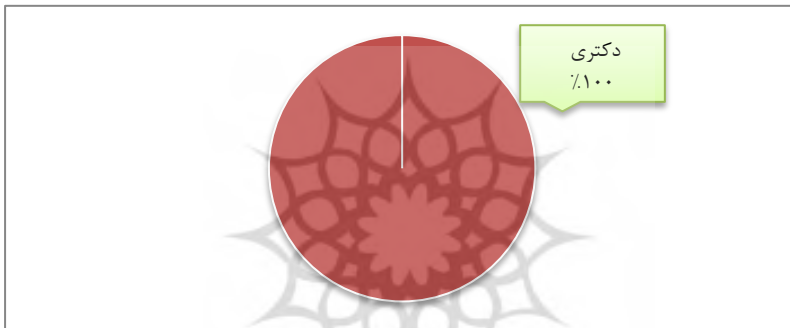
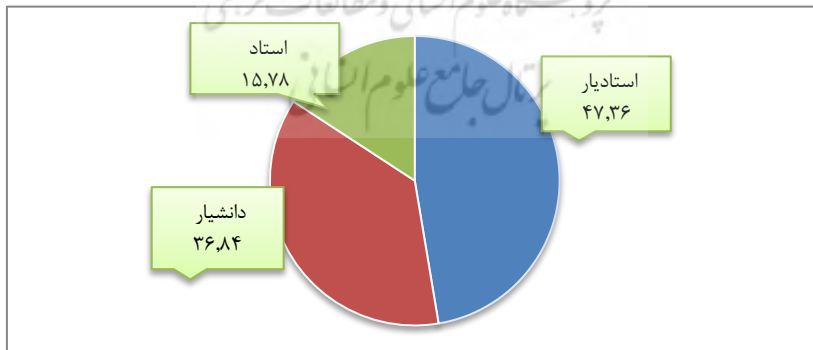
همان‌طور که به آن اشاره کرده‌ایم، عوامل و مؤلفه‌های گوناگونی با عنوان پیشران در سطوح اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر جریان‌های سیاسی ایران و آینده آن تأثیر می‌گذارند. از آنجایی که میزان تأثیر این پیشران‌ها به یک اندازه نیست، باید بین نیروهای پیشران تمایز قائل شد. بعضی از آنها قابلیت اثرگذاری بیشتری بر جریان‌های سیاسی ایران و تغییر و تحولات به‌وجودآمده در آن در آینده دارند. پس این پیشران‌های مهم‌تر، باید در کانون توجه باشند و تصویر آینده بر اساس وضعیت آنها ترسیم شود. جدای از اهمیت پیشران‌ها، عدم قطعیت آنها نیز مهم است. منظور از عدم قطعیت، ناتوانی در پیش‌بینی و تخصیص احتمال به وضعیت آتی آن پیشران است. یک نیروی پیشران برای آنکه در چارچوب سناریو، نقش برجسته‌ای داشته باشد، باید از عدم قطعیت برخوردار باشد. بنابراین پیشران‌ها باید از نظر اهمیت و عدم قطعیت ارزیابی شوند. درواقع پیشران‌هایی که از بیشترین اهمیت و عدم قطعیت برخوردار باشند، به‌عنوان عدم قطعیت‌های تأثیرگذار و کلیدی در شکل‌دهی به سناریوهای جریان‌های سیاسی ایران مورد استفاده قرار خواهند گرفت. همچنین پیشران‌هایی که دارای اهمیت زیاد و عدم قطعیت پایین باشند، به‌مثابه عناصر نسبتاً معین که لازم است تأثیر/تأثیرات آنها در هریک از سناریوهای آینده لحاظ شوند، معرفی خواهند شد.

۱-۲. پرسشنامه تعیین اهمیت و عدم قطعیت پیشران‌های جریان‌های سیاسی در ایران

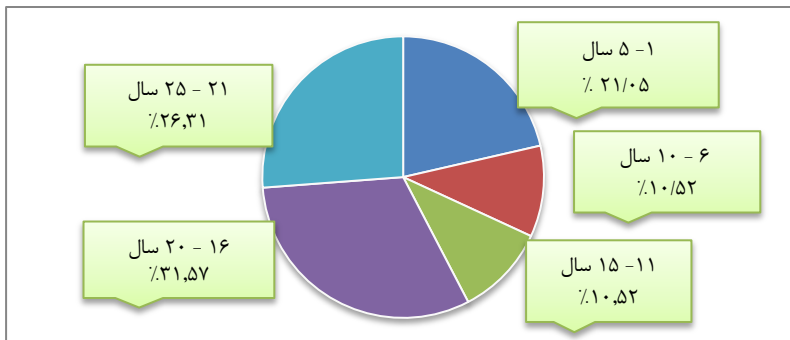
به‌منظور تعیین میزان اهمیت و عدم قطعیت پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی در ایران، پرسشنامه‌ای تهیه و میان جمعی از خبرگان موضوع ارائه شد. ضمناً برای سنجش میزان اهمیت و عدم قطعیت هر یک از پیشران‌ها از یک طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد و از پاسخ‌دهندگان درخواست شد تا دیدگاه خود را درخصوص اهمیت یا عدم قطعیت هر یک از پیشران‌ها از میان یکی از گزینه‌های خیلی کم (معادل عدد ۱)، کم (معادل عدد ۲)، متوسط (معادل عدد ۳)، زیاد (معادل عدد ۴)، خیلی زیاد (معادل عدد ۵)، انتخاب کنند.

۱-۱-۲. مشخصات توصیفی پاسخ‌دهندگان

برای توصیف پاسخ‌دهندگان از چهار معیار کلی، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، سابقه تدریس و پژوهش و مرتبه علمی استفاده شده است. در ادامه به‌صورت گرافیکی، هر یک از ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌دهندگان نشان داده شده است:

نمودار (۱) - مدرک تحصیلی پاسخ‌دهندگان

نمودار (۲) - رشته تحصیلی پاسخ‌دهندگان

نمودار (۳) - مرتبه علمی پاسخ‌دهندگان


نمودار (۴) - سابقه تحقیق و تدریس پاسخ‌دهندگان



همان‌طور که در نمودارهای بالا به آن اشاره شد، همه پاسخ‌دهندگانی که نسبت به تکمیل پرسش‌نامه اقدام کرده‌اند، دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته‌های علوم سیاسی، آینده‌پژوهی، جامعه‌شناسی و تاریخ می‌باشند که این موضوع در نمودار شماره ۱ و ۲ نشان داده شده است. در نمودار ۳، مرتبه علمی پاسخ‌دهندگان نشان داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد همه پاسخ‌دهندگان حداقل از نظر دانشگاهی و علمی، دارای مرتبه علمی استادیاری هستند و در نمودار ۴، سابقه تدریس، تحقیق و پژوهش پاسخ‌دهندگان نشان داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود بالغ بر ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان بیش از ۱۰ سال سابقه تحقیق، پژوهش و تدریس در حوزه‌های مرتبط داشته‌اند.

۲-۲. تجزیه و تحلیل نتایج پرسش‌نامه‌ها

پس از تهیه و توزیع پرسش‌نامه‌ها و تحلیل نظرات خبرگان، اوزان اهمیت و عدم قطعیت هر یک از پیشران‌ها تعیین شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ها و تعیین میزان اهمیت و عدم قطعیت آنها در نگاره زیر نشان داده شده است:

نگاره شماره (۲) - تحلیل اهمیت و عدم قطعیت پیشران‌های جریان‌های سیاسی در ایران

ردیف	پیشران	شناسه	اهمیت	عدم قطعیت
۱	شرایط سیاسی- اجتماعی زمان انتخابات	PS	۴,۰۵	۲,۷۷
۲	مطالبات مردمی	DP	۳,۷۷	۳,۸۸
۳	رهبری تحول‌گرا	TL	۴,۳۳	۳,۶۶
۴	شخصیت‌های سیاسی	PF	۳,۵۵	۳,۷۲
۵	رابطه دین و سیاست	RP	۳,۴۴	۳,۴۴
۶	رقابت سیاسی- اجتماعی	CS	۴	۳,۲۷
۷	مشارکت سیاسی مردم و سمت‌ها	PP	۴,۲۷	۳,۰۵

۳,۰۵	۳,۱۱	RD	مردم‌سالاری دینی	۸
۲,۸۸	۳,۸۸	PB	بحران‌های سیاسی	۹
۲,۸۸	۳,۵۵	US	وحدت و انسجام اجتماعی	۱۰
۲,۸۸	۳,۶۱	PO	ثبات سیاسی - اجتماعی	۱۱
۲,۸۸	۳,۵۵	PQ	مسئله قومیت‌ها	۱۲
۳,۶۱	۲,۷۷	EC	شرایط زیست‌محیطی	۱۳
۳,۵	۳,۸۳	SC	سرمایه اجتماعی	۱۴
۲,۶۱	۲,۱۱	MT	گرایش‌های عرفانی منهای شریعت	۱۵
۳,۱۱	۳,۳۳	RE	افراطی‌گری دینی (فرقه‌گرایی دینی)	۱۶
۳,۵	۳,۶۱	SR	فساد اجتماعی	۱۷
۲,۸۸	۲,۶۶	ES	اقتصاد مقاومتی	۱۸
3.88	۲,۳۸	RS	دولت رانتیر	۱۹
۳,۳۳	۳,۷۲	EP	مشارکت اقتصادی مردم (دولتی یا خصوصی بودن)	۲۰
۳,۶۶	۳,۸۳	FE	محدودیت‌های اقتصادی خارجی (تحریم)	۲۱
۳,۲۷	۲,۷۷	FC	گرایش به فرهنگ بیگانه	۲۲
۳,۱۶	۴,۰۵	MS	رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	۲۳
۳,۲۷	۳,۳۸	MP	مدیریت فرهنگی هوشمندانه، منفعلانه و هژمونیک	۲۴

با توجه به نگاره بالا می‌توان گروه‌بندی پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی در ایران را مطابق با شکل زیر نشان داد. در این نمودار، پیشران‌های جریان‌های سیاسی در ایران بر اساس میزان اهمیت و عدم قطعیتی که دارند به ۵ گروه پیشران‌های کلیدی سناریوها، پیشران‌های مهم سناریوها، موضوعات کلیدی در برنامه‌ریزی و موضوعات مهم برنامه‌ریزی و نظارت دسته‌بندی شده‌اند. شکل زیر نشان‌دهنده این موضوع است:

نگاره شماره (۳) - گروه‌بندی پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی در ایران

اهمیت

۴,۹۹	موضوعات کلیدی برنامه‌ریزی	پیشران‌های مهم	پیشران‌های کلیدی
۳,۶۶	موضوعات مهم برنامه‌ریزی	موضوعات مهم برنامه‌ریزی	پیشران‌های مهم
۲,۳۳			نظارت و بررسی دوباره
۱	نظارت	نظارت	

۱

۲,۳۳

۳,۶۶

۴,۹۹

عدم قطعیت

بر اساس نگاره بالا می‌توان گفت هر یک از پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی از لحاظ میزان اهمیت و عدم قطعیت در جایگاه متفاوتی قرار می‌گیرند که در نگاره بالا با توجه به تقسیم‌بندی میزان اهمیت و تأثیرگذاری به کم (۱ ° ۲,۳۳)، متوسط (۲,۳۳ ° ۳,۶۶) و زیاد (۳,۶۶ ° ۴,۹۹)، هر یک از این جایگاه‌ها و میزان اهمیت آن مشخص شده است. در ادامه با توجه به نگاره بالا به دسته‌بندی عوامل مهم و پیشران‌های شناسایی شده جریان‌های سیاسی در ایران بر اساس میزان اهمیت و عدم قطعیت آن به منظور تعیین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی می‌پردازیم که در نگاره زیر نشان داده شده است:

نگاره شماره (۴) - جایگاه پیشران‌های تأثیرگذار بر جریان‌های سیاسی در ماتریس

اهمیت - عدم قطعیت

اهمیت ۴,۹۹	موضوعات کلیدی برنامه‌ریزی	پیشران‌های مهم PS, CS, PP, PB SC, MS, EP FE	پیشران‌های کلیدی DP TL
۳,۶۶		موضوعات مهم برنامه‌ریزی RP, RD, US SR, ES, FC MP, RE PO, EC, PQ	پیشران‌های مهم PF RS
۲,۳۳		MT نظارت	
	۱	۲,۳۳	۳,۶۶ ۴,۹۹

عدم قطعیت

۳. پیشران‌های کلیدی سناریوی آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴

مطابق با نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ها و همان‌گونه که در نگاره بالا مشاهده می‌شود، پیشران‌های مطالبات مردمی (DP) و رهبری تحول‌گرا (TL) به‌عنوان پیشران‌های کلیدی سناریوهای جریان‌های سیاسی در ایران معرفی می‌شوند.

مطابق با چارچوب روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، این پیشران‌ها لزوماً باید در شکل‌دهی به ماتریس سناریوها مورد استفاده قرار گیرند.

۴. پیشران‌های مهم سناریوهای جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴

مطابق با نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها و همان‌گونه که در نگاره بالا مشاهده می‌شود، پیشران‌های زیر به‌عنوان پیشران‌های مهم سناریوهای جریان‌های سیاسی در ایران معرفی می‌شوند:

شرایط سیاسی - اجتماعی زمان انتخابات (ps)؛ رقابت سیاسی - اجتماعی (CS)؛ مشارکت سیاسی مردم و سمت‌ها (PP)؛ بحران‌های سیاسی (PB)؛ سرمایه اجتماعی (SC)؛ دولت رانتیر (RS)؛ مشارکت اقتصادی مردم (دولتی یا خصوصی‌بودن) (EP)؛ محدودیت‌های اقتصادی خارجی (تحریم) (FE)؛ رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (MS) و شخصیت‌های سیاسی (pf).

مطابق با چارچوب روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، فضاهای فرصتی که به‌عنوان پیشران‌های مهم سناریوها شناسایی می‌شوند، می‌توانند در تحلیل سناریوها مورد استفاده قرار بگیرند، اما الزامی نسبت به آن وجود ندارد که لزوماً باید در شکل‌دهی به ماتریس سناریوها مورد استفاده قرار بگیرند.

۴-۱. موضوعات مهم برنامه‌ریزی پیش روی جریان‌های سیاسی در ایران

مطابق با نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها و همان‌گونه که در نگاره بالا مشاهده می‌شود، پیشران‌های زیر به‌عنوان موضوعات مهم برنامه‌ریزی پیش روی جریان‌های سیاسی در ایران معرفی می‌شوند. لازم به ذکر است به دلیل ماهیت این موضوعات کلیدی که فاقد عدم قطعیت بالایی می‌باشند، در بیان آنها مشخصاً جهت و نحوه تأثیرشان قید می‌شود.

رابطه دین و سیاست (RP)؛ مردم‌سالاری دینی (RD)؛ وحدت و انسجام اجتماعی (US)؛ ثبات سیاسی - اجتماعی (PO)؛ مسئله قومیت‌ها (PQ)؛ شرایط زیست‌محیطی (EC)؛ فساد اجتماعی (SR)؛ اقتصاد مقاومتی (ES)؛ گرایش به فرهنگ بیگانه (FC)؛ افراطی‌گری دینی (فرقه‌گرایی دینی) (RE)؛ مدیریت فرهنگی هوشمندانه، منفعلانه و هژمونیک (MP).

مطابق با چارچوب روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، پیشران‌هایی که به‌عنوان موضوعات کلیدی برنامه‌ریزی شناخته شده، لزوماً باید در سناریوها لحاظ شوند. به‌عبارت‌دیگر این موضوعات در هر سناریویی که توسعه داده شوند، باید در نظر گرفته شوند.

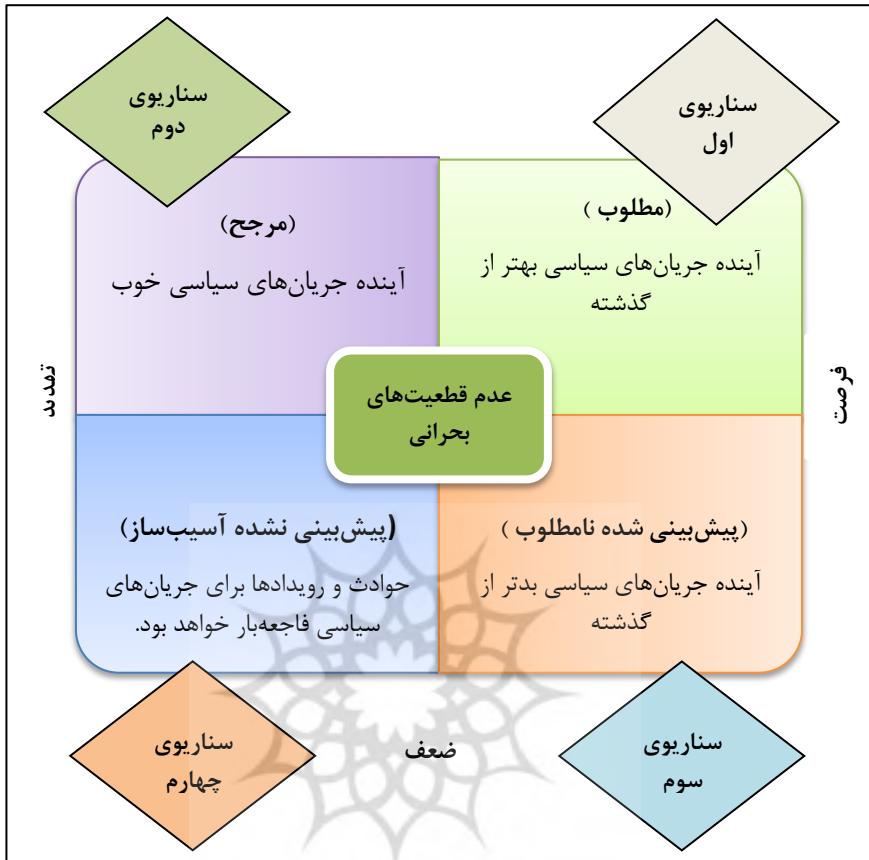
۵. تشکیل ماتریس سناریوها

پس از تعیین پیشران‌های کلیدی و موضوعات کلیدی برنامه‌ریزی (عناصر نسبتاً معین)، می‌توان ماتریس سناریوها را بر اساس پیشران‌های کلیدی جریان‌های سیاسی در ایران تشکیل داد. بر این اساس می‌توان سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ را بر اساس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات محیط داخلی و بین‌المللی طراحی کرد. همان‌طور که اشاره

کرده‌ایم، بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها و نظرسنجی از افراد متخصص و صاحب‌نظر در این حوزه، دو پیشران رهبری تحول‌گرا و مردم و مطالبات آنان از نظام سیاسی به‌عنوان عدم قطعیت‌ها و پیشران‌های کلیدی جریان‌های سیاسی ایران در آینده می‌باشند. در این راستا همراه شدن جریان‌های سیاسی جامعه با رهبری و خواسته‌ها و مطالبات مردم در نظام سیاسی به‌عنوان نقطه قوت و عدم توجه به این مقوله به‌عنوان نقاط ضعف پیش روی آینده جریان‌های سیاسی ایران است.

همچنین ضلع دیگر ماتریس سناریوها را می‌توان بر اساس فرصت‌ها و تهدیدات موجود در محیط داخلی و بین‌المللی طراحی کرد. به‌عنوان مثال تأکید بر انسجام و همبستگی سیاسی و اجتماعی بین اقلشار و گروه‌های گوناگون جامعه، استفاده از امکانات قدرت‌های خارجی به‌عنوان فرصت‌های پیش روی جریان‌های سیاسی در آینده است و وجود اختلافات داخلی، گسترش تروریسم و... به‌عنوان تهدیدهای پیش روی جریان سیاسی در آینده است. نکته قابل توجه این‌که آینده در معرض مسائل نوظهور است و نمی‌توان به‌طور قطع و دقیق هر یک از فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی آینده جریان‌های سیاسی را در زمان حال مشخص کرد. با این حال فرصت‌های پیش روی جریان‌های سیاسی اشاره به امکانات و توانایی‌هایی دارد که هر یک از این جریان‌ها می‌توانند به بهره‌برداری از آن در آینده بپردازند و از طرف دیگر تهدیدات پیش روی جریان‌های سیاسی به معنای وجود مسائل و موضوعاتی است که در محیط داخلی و هم در عرصه بین‌المللی به‌عنوان خطری برای جامعه و نظام سیاسی در سطوح گوناگون آن محسوب می‌شود که در حال حاضر با توجه به گسترش ارتباطات و تأثیرپذیری جوامع و کشورها از یکدیگر می‌توان در آینده انواع گوناگونی از این تهدیدها و فرصت‌ها را شاهد بود. بر این اساس استفاده و تأکید هر یک از جریان‌های سیاسی بر مقوله تهدیدات و فرصت‌های محیط داخلی و بین‌المللی و نقاط ضعف و قوت (مردم و رهبری) می‌تواند سبب بروز نتایج متفاوتی در آینده شود. با توجه به مقوله فرصت و تهدید و نقاط قوت و ضعف می‌توان چهار سناریوی زیر را به‌عنوان سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ذکر کرد:

شکل (۴) - سناریوهای جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴



در ادامه هر یک از سناریوهای شناسایی شده در شکل (۴)، با در نظر گرفتن پیش‌بینی‌های مهم و موضوعات کلیدی برنامه‌ریزی تشریح خواهد شد.

۵. سناریوی مطلوب یا آینده جریان‌های سیاسی بهتر از گذشته

از جمله سناریوهایی که می‌توان برای آینده جریان‌های سیاسی در نظر گرفت، سناریویی است که به‌عنوان سناریوی مطلوب در حوزه جریان‌های سیاسی و آینده آن مطرح است.

۵-۱. شاخص‌های راهنما

(۱) وجود رهبری تحول‌گرا در رأس تشکیلات نظام سیاسی و هدایت و سازمان‌دهی جامعه، توسط اقشار و گروه‌های گوناگون اجتماعی از جمله جریان‌های سیاسی به‌عنوان امری بدیهی و پذیرفته‌شده است.

(۲) خواسته‌ها و مطالبات مردم از قبیل آزادی، مشارکت سیاسی، دموکراسی و غیره توسط نظام سیاسی تأمین‌شده و مردم با نظام سیاسی در اشکال گوناگون آن همراه هستند.

- ۳) وحدت، انسجام و همبستگی سیاسی- اجتماعی در سطوح گوناگون آن در درون جامعه و نظام سیاسی وجود دارد.
- ۴) تأثیرپذیری جریان‌های سیاسی موجود در جامعه از تحولات مربوط به سایر جوامع و جریان‌های سیاسی آنان بسیار محدود بوده و در مقابل تأکید آنان بر منابع و الگوهای داخلی از قبیل مذهب، رهبری، مردم و غیره است.
- ۵) میزان نفوذ قدرت‌های بزرگ و خارجی در جامعه بسیار محدود است.
- ۶) مشارکت سیاسی مردم در سطح بالایی قرار دارد.
- ۷) این جریان‌ها در جهت مصالح کشور و منافع ملی نظام جمهوری اسلامی ایران حرکت می‌کنند.
- ۸) رقابت سیاسی- اجتماعی بین جریان‌ها و گروه‌های سیاسی- اجتماعی جامعه به‌صورت مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون و نهادهای قانونی صورت می‌گیرد.
- ۹) بحران‌های سیاسی در این سناریو به حداقل خود می‌رسد، نظام سیاسی با قرارگرفتن در فرایند توسعه موفق می‌شود بر بحران‌های سیاسی فائق آید.
- ۱۰) میزان وابستگی به رانت و درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد.
- ۱۱) بر رابطه بین دین و سیاست در جامعه تأکید می‌شود و دین به‌عنوان عنصر جدایی‌ناپذیر در اداره امور سیاسی- اجتماعی جامعه و مبانی مورد اتکای جریان‌های سیاسی شناخته می‌شود.

۵-۲. توصیفی از وضعیت موجود سناریو

از جمله سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی، سناریویی است که در آن بر نقاط قوت و فرصت‌های محیط داخلی و بین‌المللی تأکید می‌شود. نقاط قوت در این سناریو پذیرش دو عنصر و پیشران مهم رهبری تحول‌گرا و مردم در نظام سیاسی است. رهبری که خواهان ایجاد تحول در آینده بوده و اقدامات و عملکرد وی در سطوح گوناگون مورد پذیرش جریان‌های سیاسی باشد و جریان‌های سیاسی جامعه همواره از دیدگاه‌ها و مواضع فکری او در اداره امور استفاده کرده و خود را با آن همراه می‌بینند. همان‌طور که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مقاطع گوناگون زمانی شاهد حضور مؤثر رهبری و نقش راهبردی ایشان در بحران‌ها و مسائل مختلف پیش روی نظام سیاسی بوده‌ایم.

نکته دیگر، مردم و مطالبات آنان از نظام سیاسی است. در این سناریو مطالبات مردم در نظام سیاسی تأمین شده و نظام سیاسی قادر به پاسخگویی به خواسته‌ها و مطالبات مردم از قبیل حق رأی، دموکراسی، مشارکت سیاسی، آزادی و غیره است که با توجه به گسترش فضای

ناشی از توسعه ارتباطات و رشد طبقه متوسط در جامعه همواره در حال فزونی است؛ بنابراین در این سناریو مردم به‌عنوان عامل و عنصری مهم در نظام سیاسی محسوب می‌شوند که با نظام سیاسی همراه بوده و نوعی انسجام و همبستگی سیاسی - اجتماعی بین آنان در مواجهه با مسائل و مشکلات گوناگون و بحران‌هایی که نظام سیاسی در آینده با آن مواجه است، وجود دارد. بدین ترتیب در این سناریو بر نقاط قوت یا همان رهبری و مردم توسط جریان‌های سیاسی تأکید شده و جریان‌های سیاسی گوناگون جامعه با این دو مقوله همراه بوده و در راستای خواسته‌ها و مطالبات مردمی و مدیریت رهبری به فعالیت در عرصه‌های گوناگون مشغول هستند.

از طرف دیگر در این سناریو بر فرصت‌های موجود در محیط داخلی و بین‌المللی توسط جریان‌های سیاسی تأکید می‌شود. فرصت در این سناریو، وجود امکانات و شرایط متعدد داخلی و بین‌المللی در آینده است که تمامی آنها در جهت نظام سیاسی و دستاوردها و آرمان‌های آن محسوب می‌شود. در واقع تلاش اصلی بر این است که از فرصت‌های موجود در نظام بین‌المللی و داخلی جهت انسجام و تثبیت هر چه بیشتر خود و نظام سیاسی در آینده استفاده کنند. از جمله فرصت‌های موجود در این زمینه می‌توان از گسترش تعامل و ارتباط با سایر جوامع و کشورها در راستای رسیدن به توسعه در ابعاد گوناگون آن اشاره کرد. در این سناریو در سایه رشد و توسعه به‌وجودآمده در بخش‌های مختلف از میزان وابستگی دولت به رانت و درآمدهای حاصل از آن کاسته شده و در مقابل تأکید اصلی بر تولید و صنعت است. در واقع با ایجاد این شرایط، نظام سیاسی از شدت نفوذ خود بر جریان‌های سیاسی موجود در جامعه کاسته و دموکراسی و فرایند مشارکت جریان‌ها و گروه‌ها در عرصه‌های گوناگون تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی افزایش می‌یابد. با توجه به شرایط به‌وجودآمده، جریان‌های سیاسی جامعه به‌صورت مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون و نهادهای قانونی به مشارکت سیاسی می‌پردازند که در سایه این امر نظام سیاسی از ثبات و کارآمدی ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

همچنین با توجه به اینکه جریان‌های سیاسی جامعه با دو مؤلفه مهم رهبری و مردم همراه بوده، همواره در راستای مصالح کشور و منافع ملی حرکت کرده و به دنبال ایجاد تغییرات بنیادی در درون جامعه نیستند. به همین دلیل با توجه به وحدت و همبستگی سیاسی - اجتماعی به‌وجودآمده بین جریان‌های سیاسی و همراهی آنان با نظام سیاسی در اشکال گوناگون آن زمینه برای نفوذ قدرت‌های بزرگ و خارجی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در مقاطع گوناگون زمانی در صدد نفوذ و ایجاد تغییرات ساختاری و بنیادین در جامعه ایران

بوده‌اند، از بین رفته و در آینده نظام سیاسی با ثبات و کارامدی هر چه بیشتر مواجه خواهد شد.

این سناریو به‌عنوان سناریوی مطلوب در حوزه جریان‌های سیاسی یا سناریویی که در آن آینده جریان‌های سیاسی بهتر از گذشته است، مطرح می‌باشد. در این سناریو، جریان‌های سیاسی در مواجهه با فرصت‌ها، رویکرد ایجابی و در مواجهه با تهدیدها، رویکرد و موضع سلبی دارند. بدین ترتیب در آینده جریان‌های سیاسی که بر نقاط قوت؛ یعنی رهبری تحول‌گرا و مردم تأکید زیادی کنند، می‌توانند در مواجهه با فرصت‌های آینده تبدیل به جریان سیاسی مطلوب شوند.

۳-۵. وضعیت آینده: توصیه‌هایی برای تحقق دورنمای مطلوب

برای دستیابی به دورنمایی مطلوب در شرایط این سناریو، لازم است اهداف زیر پیگیری شود:

- ۱) تقویت انسجام و همبستگی سیاسی- اجتماعی بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی جامعه؛
- ۲) تثبیت و نهادینه کردن هر چه بیشتر انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن؛
- ۳) برنامه‌ریزی برای برآورده کردن مطالبات و خواسته‌های مردم و فراهم‌نمودن زیرساخت‌ها و امکانات لازم برای تحقق آن در آینده؛
- ۴) نهادینه کردن حزب و مشارکت سیاسی در ایران؛
- ۵) تلاش برای اصلاح امور اقتصادی از طریق کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی؛
- ۶) توسعه نفوذ ایران و گسترش روابط با همسایگان و کشورهای منطقه؛
- ۷) پرهیز از تنش با سایر کشورهای منطقه و درگیر شدن در تحولات و رویدادهای آنان؛
- ۸) جلوگیری از رخنه و نفوذ تحولات سایر جوامع (در منطقه و محیط بین‌الملل) به عرصه سیاسی- اجتماعی کشور.

۶. سناریوی مرجح یا آینده خوب در حوزه جریان‌های سیاسی

سناریوی دوم در حوزه جریان‌های سیاسی، سناریویی است که به‌عنوان سناریوی مرجح یا خوب مطرح است. وضعیت موجود در این سناریو برای نظام سیاسی وضعیت مطلوب و ایده‌آل محسوب نمی‌شود. در ادامه به بیان و توصیف این سناریو می‌پردازیم:

۱-۶. شاخص‌های راهنما

- ۱) وجود رهبری به‌عنوان عنصر مهم و اساسی در هدایت و ایجاد تحول در عرصه‌های گوناگون جامعه، مورد تأکید جریان‌های سیاسی قرار می‌گیرد.
- ۲) مردم و جایگاه آنان در نظام سیاسی- اجتماعی مورد قبول جریان‌های سیاسی است و خود را نیازمند به همراهی آنان می‌دانند.

۳) فاصله‌گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و آرمان‌های آن را به‌تدریج در مواضع و رویکردهای جریان‌های سیاسی در جامعه شاهد هستیم.

۴) نوعی تضاد و دوگانگی در رفتار جریان‌های سیاسی وجود دارد. همراهی با مردم و رهبری و درعین‌حال داشتن زمینه و گرایش به سمت عقاید و گرایش‌های جدید. (زمینه برای نفوذ قدرت‌های خارجی و دیدگاه‌های غرب‌گرایانه وجود دارد.

۶-۲. توصیفی از وضعیت موجود سناریو

از جمله سناریوهای دیگری که می‌توان برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران در نظر گرفت، سناریویی است که در آن بر نقاط قوت و تهدیدات محیط داخلی و بین‌المللی تأکید می‌شود. در این سناریو جریان‌های سیاسی پایه و اساس خود را بر اساس نقاط قوت قرار می‌دهند، اما به استقبال تهدیدهای داخلی و خارجی؛ می‌روند که نظام سیاسی با آن مواجه است. نقاط قوت در این سناریو توجه به دو عدم قطعیت کلیدی در حوزه جریان‌های سیاسی یعنی رهبری و مردم است. بعد دیگر سناریو مربوط به تهدیدات موجود در عرصه داخلی و خارجی است. از جمله این تهدیدات در عرصه داخلی می‌توان به وجود شکاف‌های گوناگون در درون جامعه از جمله شکاف بین سنت و تجدد که زمینه‌ساز از بین رفتن تعادل و انسجام سیاسی- اجتماعی است، اشاره کرد. همچنین اختلافات قومیتی میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی جامعه به‌عنوان تهدیدی دیگر در این حوزه محسوب می‌شود. در عرصه خارجی و بین‌المللی نیز جریان‌های سیاسی مخالف نظام که دارای عقایدی متفاوت با فضای فکری- سیاسی جامعه ایران هستند، به‌عنوان تهدید پیش روی جریان‌های سیاسی و جامعه ایران به حساب می‌آیند.

در این سناریو رهبری تحول‌گرا و مردم همچنان به‌عنوان نقطه ثقل و مورد تأکید جریان‌های سیاسی قرار می‌گیرد، اما این دو عنصر به‌عنوان عامل نهادینه‌شده در درون جریان‌های سیاسی محسوب نمی‌شود. به این معنا که با فراهم شدن شرایط و زمینه، به استقبال تهدیدهایی که نظام سیاسی با آن مواجه است، رفته که خود می‌تواند در درازمدت زمینه را برای بروز بحران‌های سیاسی- اجتماعی در درون جامعه افزایش دهد. در واقع نوعی دوگانگی را در عملکرد و رفتار آنان شاهد هستیم؛ از یک‌طرف بر عناصر وحدت‌بخش رهبری و مردم که وجود آنان در نظام سیاسی به‌عنوان سرمایه اجتماعی مهمی تلقی می‌گردد، تأکید داشته و از طرف دیگر با توجه به دور شدن از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن به سمت جریان‌ها و اندیشه‌های جدیدی می‌روند که ممکن است در ماهیت خود متضاد با انقلاب و اصول حاکم بر آن باشد. همین شرایط، زمینه را برای بروز رقابت‌های سیاسی- اجتماعی ناسالم بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی فراهم کرده و با توجه به شرایط به‌وجودآمده، زمینه برای بهره‌برداری

قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی فراهم می‌شود. تنها در صورتی که جریان‌های سیاسی بتوانند در شرایط جدید تهدیدات پیش روی نظام سیاسی را تبدیل به شرایط و موقعیت مناسب به‌منظور بهره‌برداری از آن برای تداوم حیات سیاسی-اجتماعی و در جهت منافع ملی و مصالح کشور قرار دهند، شاهد آثار و نتایج مطلوبی از آنان در آینده خواهیم بود.

بنابراین این سناریو را می‌توان هم از جنبه سلبی و هم از جنبه ایجابی مورد بررسی قرار داد. جنبه ایجابی آن مربوط به تأکید آنان بر نقاط قوت (رهبری و مردم) است و جنبه سلبی آن در ارتباط با همراه شدن آنان با تهدیدات است؛ در صورتی که به بهره‌برداری از آن برخلاف مصالح و منافع ملی و آرمان‌های انقلاب بپردازند. نمونه‌ای از این‌گونه رفتارها را در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ شاهد هستیم. در جریان انتخابات ۱۳۸۸ اگرچه جریان‌های سیاسی در اصول و عملکرد خود بر نقاط قوت نظام از جمله (رهبری و مردم) تأکید داشته‌اند، اما با توجه به شرایط به‌وجودآمده در اثر تهدیدات دشمنان انقلاب زمینه را برای بروز بحران و ناآرامی سیاسی-اجتماعی در درون جامعه فراهم کردند. بنابراین یکی از مسائل پیش روی جریان‌های سیاسی در آینده، مربوط به تحولات و رخداد‌های به‌وجودآمده در زمان انتخابات است. با توجه به تجربه وقوع حوادث مبتنی بر آن در جامعه ایران در آینده نیز ممکن است شاهد وقوع چنین رویدادهایی باشیم که احتمال وقوع آن در این سناریو زیاد است. در واقع عدم تأمین خواسته‌ها و مطالبات گروه‌ها و اقشار سیاسی گوناگون جامعه در زمان انتخابات به‌عنوان تهدید پیش روی آینده نظام است که در این شرایط ممکن است با وجود الزام جریان‌های سیاسی جامعه نسبت به نقاط قوت موجود در نظام سیاسی، زمینه برای بروز مخالفت‌ها و ناسازگاری‌ها فراهم شود. این امر نیازمند توجه هر چه بیشتر برای جلوگیری از بروز چنین رخداد‌هایی در آینده نظام سیاسی است. بدین ترتیب می‌توان گفت این سناریو به‌عنوان سناریوی مرجح و سناریوی خوب برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران مطرح است.

۳-۶. وضعیت آینده: توصیه‌هایی برای تحقق دورنمای مطلوب

اهداف زیر را می‌توان برای تحقق آینده‌ای مطلوب در این سناریو مد نظر قرار داد:

- (۱) فراهم کردن زمینه برای ایجاد رقابت‌های سیاسی-اجتماعی سالم و قانونمند در آینده؛
- (۲) گسترش اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی بین اقشار و گروه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی؛
- (۳) تقویت هر چه بیشتر وحدت و انسجام ملی، به‌ویژه از طریق کاهش شکاف‌های گوناگون موجود در جامعه از جمله شکاف‌های قومی؛

۴) تثبیت و گسترش سرمایه اجتماعی در درون جامعه و نظام سیاسی؛

۵) نظارت بر فعالیت و عملکرد شخصیت‌های فعال سیاسی در آینده؛

۶) فراهم کردن زمینه برای برگزاری صحیح انتخابات و پرهیز از بروز تنش در جامعه.

۷. سناریوی پیش‌بینی شده نامطلوب یا آینده جریان‌های سیاسی بدتر از گذشته

از جمله سناریوهای دیگری که می‌توان برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران در نظر گرفت، سناریویی است که به‌عنوان سناریوی پیش‌بینی شده نامطلوب مدنظر است. نامطلوب بودن این سناریو از این جهت است که در آن جریان‌های سیاسی جامعه وضعیت مطلوب و بهتری نسبت به گذشته نداشته و همراه با نظام سیاسی در سطوح گوناگون آن نیستند. در ادامه مهم‌ترین شاخصه‌های مورد تأکید این سناریو مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۷. شاخص‌های راهنما

۱) وجود رهبری تحول‌گرا در رأس ساختار نظام سیاسی به‌عنوان عنصر مدیریت‌کننده و انسجام‌بخش مورد قبول و پذیرش جریان‌های سیاسی جامعه قرار نمی‌گیرد.

۲) مردم و مطالبات آنان از جامعه و نظام سیاسی، توسط جریان‌های سیاسی نادیده گرفته می‌شود.

۳) تقابل بین جریان‌های سیاسی با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

۴) این جریان‌ها نمی‌توانند در جهت مصالح کشور و منافع ملی حرکت کنند.

۵) نقش دشمنان انقلاب و جریان‌های سیاسی مخالف نظام در هدایت امور و تأثیرگذاری آنان در جامعه افزایش می‌یابد.

۶) مشارکت سیاسی مردم محدود می‌شود.

۷) نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در ایجاد تغییر و تحول و سازمان‌دهی بین جریان‌ها و اقشار گوناگون جامعه پررنگ می‌شود.

۲-۷. توصیفی از وضعیت موجود سناریو

از جمله سناریوهای دیگری که می‌توان برای آینده جریان‌های سیاسی ایران در نظر گرفت، سناریویی است که در آن بر نقاط ضعف و فرصت‌های محیط داخلی و بین‌المللی تأکید می‌شود.

نقاط ضعف سناریو، نادیده‌انگاشتن دو عدم قطعیت مهم رهبری و مردم توسط جریان‌های

سیاسی گوناگون جامعه است. فرصت در این سناریو اشاره به وضعیتی دارد که در آن جریان‌

های سیاسی با توجه به شرایط فراهم‌شده به دنبال ایجاد تحول و بهره‌برداری از آن در راستای

اهداف از پیش تعیین‌شده خود هستند که با ماهیت انقلاب اسلامی ایران تضاد دارد. در واقع در

این سناریو جریان‌های سیاسی بر اساس نقاط ضعف داخل به استقبال فرصت‌های جامعه بدون در نظر گرفتن رهبری و مردم و مناسبات داخلی و گروهی خود می‌روند؛ یعنی جریان‌های سیاسی در آینده با رهبری و مردم همراه نشده و به دنبال شرایط و زمینه‌های دیگری به‌منظور بهره‌برداری از آن در راستای اهداف خود هستند.

آنان تلاش کرده با استفاده از امکانات موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی به ایجاد تغییر و تحول در حوزه‌های مختلف جامعه بپردازند. در این ارتباط می‌توان دو نوع نگاه و رویکرد به فرصت‌های پیش روی یک جامعه و نظام سیاسی داشت. رویکرد نخست، رویکرد خیرخواهانه است؛ یعنی رویکردی که از این فرصت‌ها چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی به‌عنوان ابزاری برای حفظ و تثبیت هرچه بیشتر نظام و انقلاب اسلامی ایران استفاده می‌کند. اما رویکرد دیگر، رویکرد منفعت‌طلبانه است؛ یعنی رویکردی که از این فرصت‌ها برای ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی - اجتماعی و در عرصه‌های گوناگون فکری و اندیشه‌ای جامعه استفاده کند. فرصت برای این دسته از جریان‌های سیاسی از نوع دوم و منفعت‌طلبانه است که روند آن در جهت خیرخواهی برای جامعه و نظام سیاسی نیست.

روند تقابل بین جریان‌های سیاسی انقلاب و نظام در این شکل ادامه پیدا می‌کند. در واقع در این سناریو مطالباتی که توسط جریان‌های سیاسی درون جامعه مطرح می‌شود، مطالبات تقابل در برابر نظام سیاسی - اجتماعی است. آنها درصدد ایجاد تغییرات در درون جامعه و نظام سیاسی هستند. به عبارتی، فرصت برای این جریان‌ها معنای منافع ملی را نمی‌دهد و آنان در جهت مصالح کشور و منافع ملی حرکت نمی‌کنند.

همچنین در این سناریو تلاش می‌شود از طریق ایجاد اختلافات داخلی بین اقلشار و گروه‌های گوناگون جامعه و دامن‌زدن به آنها، به بهره‌برداری از آن به‌منظور دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده بپردازند. در واقع یکی از فرصت‌های پیش‌رو در شرایط نامطلوب این است که با توجه به اینکه ایران کشوری است که از اقوام و گروه‌های گوناگون قومی و نژادی تشکیل شده است، تلاش کنند از طریق دامن‌زدن به اختلافات و نقاط تفاوت در آنان، زمینه را برای بروز درگیری و کشمکش و به دنبال آن ناآرامی‌های سیاسی - اجتماعی فراهم کنند. به عبارتی سیاست‌هایی که توسط جریان‌های سیاسی در این رویکرد اتخاذ می‌شود، سیاست‌هایی است که در مسیر ضدیت با ایران و انقلاب اسلامی است. به‌عنوان مثال منافقین می‌توانند به‌عنوان یکی از جریان‌های سیاسی در آینده محسوب شوند که اقدامات و دیدگاه‌های آنان در این سناریو قابل بررسی است. این جریان سیاسی بر اساس نقطه‌ضعف یعنی خارج از رهبری و مردم و به‌طور کلی نظام جمهوری اسلامی عمل کرده و با استفاده از امکاناتی که کشورها و قدرت‌های بزرگ یا به

عبارتی دشمنان انقلاب به منظور مقابله با انقلاب اسلامی و ایجاد تفرقه و اختلاف در جامعه در اختیار آنان قرار می‌دهند، تلاش کرده تا به ایفای نقش مهم و اساسی در راستای ایجاد تغییرات بنیادین در جامعه بپردازد. بر این اساس می‌توان گفت، جریان‌هایی که در مقابل رهبری و مردم قرار می‌گیرند، در آینده می‌توانند تبدیل به جریان‌های جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران شوند و الگوی جدیدی را که در تضاد با جامعه ما قرار دارد، اجرا کنند.

این سناریو به‌عنوان سناریوی نامطلوب یا سناریویی که در آن وضعیت جریان‌های سیاسی بدتر از گذشته می‌باشد؛ به این دلیل که در این سناریو دو مؤلفه مهم و اصلی نادیده گرفته شده و علاوه بر آن نیز در جریان‌های سیاسی جامعه مبانی مورد تأکید انقلاب و نظام به تدریج کمرنگ شده و زمینه برای گرایش سایر ایدئولوژی‌ها و مکاتب سیاسی^۵ اجتماعی افزایش می‌یابد.

۷-۳. وضعیت آینده: توصیه‌هایی برای تحقق دورنمای مطلوب

(۱) نظارت بر فعالیت و عملکرد هر چه بیشتر جریان‌ها و گروه‌های سیاسی مخالف نظام که در خارج از کشور و با حمایت کشورها و قدرت‌های بزرگ به فعالیت و اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند.

(۲) کاهش و از بین بردن اختلافات داخلی در درون نظام سیاسی که به‌عنوان ابزاری برای استفاده و بهره‌برداری جریان‌های سیاسی از آن محسوب می‌شود.

(۳) مشخص کردن دقیق مفهوم منافع ملی و مصالح کشور به‌منظور بازشناسی صحیح و دقیق منافع ملی غیرملی توسط افراد و گروه‌های جامعه.

۸. سناریوی پیش‌بینی نشده آسیب‌ساز یا وضعیت فاجعه برای جریان‌های سیاسی

۸-۱. شاخص‌های راهنما

- (۱) جریان‌های سیاسی از رهبری و مردم فاصله می‌گیرند.
- (۲) مقابله با انقلاب و نظام سیاسی و حتی براندازی آن به‌عنوان مبنای عمل و اقدام می‌گیرد.
- (۳) با توجه به وجود تهدیدهایی که نظام سیاسی همواره با آن مواجه است، بحران‌های گوناگونی در سطوح سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی را در برمی‌گیرد.
- (۴) رقابت‌های سیاسی - اجتماعی در چارچوب قانون و ساختارهای قانونی صورت نمی‌گیرد.
- (۵) سرمایه اجتماعی در جامعه کاهش یافته و میزان اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی از بین می‌رود.

(۶) نقش دین و آموزه‌های آن در هدایت و اداره امور سیاسی - اجتماعی جامعه کمرنگ می‌شود.

- ۷) نزدیکی هر چه بیشتر با آمریکا و رژیم صهیونیستی و گسترش تروریسم و عقاید مربوط به آن در جامعه شکل می‌گیرد.
- ۸) نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در ایجاد تغییر و تحولات فکری و اندیشه‌ای بین افشار و گروه‌های گوناگون سیاسی- اجتماعی پررنگ می‌شود.
- ۹) گرایش‌های دینی منهای شریعت در سایه فعالیت و عملکرد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و گسترش ارتباطات در جامعه رشد پیدا می‌کند.
- ۱۰) افراطی‌گری دینی و گروه‌های وابسته به آن در ساختار سیاسی جامعه ایران نفوذ خواهند کرد.

۸-۲. توصیفی از وضعیت موجود سناریو

از جمله سناریوهای دیگری که می‌توان برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران در نظر گرفت، سناریویی است که در آن بر نقاط ضعف و تهدیدات محیط داخلی و بین‌المللی تأکید می‌شود. در واقع، این سناریو نامطلوب‌ترین و بدترین وضعیت سناریو در ارتباط با آینده جریان‌های سیاسی ایران است. نقاط ضعف در این سناریو شامل نادیده گرفتن عدم قطعیت‌های کلیدی و مهم (رهبری و مردم) توسط جریان‌های سیاسی جامعه است. تهدید در وضعیت این سناریو اشاره به موقعیت‌ها و شرایطی دارد که در اثر آن ممکن است تغییرات ساختاری در عقاید و دیدگاه‌های جریان‌های سیاسی جامعه به وجود آید. از جمله این تهدیدات در آینده می‌توان از گسترش تروریسم و افراطی‌گری دینی، رشد عقاید دینی و گرایش‌های عرفانی منهای شریعت بین احزاب و جریان‌های سیاسی جامعه و غیره اشاره کرد. نکته قابل ذکر در این ارتباط، این است که برشمردن دقیق عناصر و مؤلفه‌های فرصت و تهدید برای آینده جریان‌های سیاسی، از آنجایی که آینده در معرض مسائل و پدیده‌های نوظهور و شگفتی‌ساز است، در زمان حال امکان‌پذیر نیست.

در واقع، در این سناریو به استقبال تهدیدات جامعه می‌روند؛ یعنی رویکرد اتخاذ شده در این سناریو سلبی است. به این معنا که در درجه نخست توجه به مردم و تأمین مطالبات آنان کمرنگ می‌شود، همین امر سبب کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی می‌شود. از طرف دیگر، نادیده گرفتن عنصر رهبری می‌تواند در درازمدت سبب بروز بحران‌های گوناگون سیاسی- اجتماعی در درون جامعه شود؛ بنابراین در این سناریو نیز مانند سناریوی قبل بر نقاط ضعف تأکید می‌شود. اما برخلاف سناریوی قبلی که جریان‌های سیاسی با استفاده از فرصت‌های موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی تلاش کرده تغییراتی را در جامعه ایجاد کنند. در این سناریو جریان‌های سیاسی با استفاده از تهدیدات پیش‌روی نظام سیاسی درصدد

ایجاد تغییراتی همه‌جانبه در سطوح گوناگون جامعه هستند. این تهدیدات، تهدیدات ملی است که در واقع این جریان‌ها بر روند تشدید و شکل بخشیدن به آن می‌افزایند. به‌عنوان مثال جریان‌ات و جنبش‌های سیاسی - اجتماعی تکفیری و سلفی در منطقه از جمله داعش به‌عنوان یک تهدید بزرگ برای امنیت ملی و مصالح ایران به حساب می‌آیند که در آن بر نقاط ضعف و تهدیدات تأکید می‌شود.

در این سناریو بر نزدیکی هر چه بیشتر با آمریکا و رژیم صهیونیستی و برهم‌زدن توازن و نظم در عرصه داخلی و منطقه‌ای و گسترش تروریسم تأکید می‌شود. علاوه‌بر آن، یکی از عرصه‌های مهم و تهدیداتی که در آینده انقلاب و جریان‌های سیاسی با آن مواجه هستیم، دین و نقش آن در اداره امور سیاسی - اجتماعی جامعه است. در این سناریو نقش دین یا به حاشیه رانده شده یا اینکه با بروز بدعت‌ها و تحریف‌ها، صورت جدیدی از آن که در تضاد کامل با باورها و اعتقادات مردم است، ارائه می‌شود که در نهایت می‌تواند سبب بروز از خودبیگانگی بین افراد جامعه گردد. این امر در سایه رشد ارتباطات و فناوری به وجود آمده در اثر گسترش وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اجتماعی روزبه‌روز شدت و عمق بیشتری پیدا می‌کند. اگر در سناریوی قبل نفوذ و تغییر در ساختار سیاسی - اجتماعی به‌عنوان هدف مهم و عمده جریان‌های سیاسی مخالف است، در این سناریو علاوه‌بر پیگیری این اهداف، تغییر در باورها، ایمان و عقاید مردم نیز در دستور کار جریان‌های سیاسی قرار می‌گیرد.

بنابراین جریان‌هایی که خارج از دایره وحدت مردم و رهبری هستند، برای آینده انقلاب اسلامی ایران تهدیدی جدی به حساب می‌آیند. این سناریو به‌عنوان وضعیت فاجعه‌آور برای جریان‌های سیاسی محسوب می‌شود، زیرا در آن تلاش مهم و عمده در راستای براندازی نظام و ایجاد تغییر و تحولات بنیادین در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فکری جامعه است که در راستای آن جریان‌های سیاسی تلاش می‌کنند با توجه به شرایط جدیدی که تهدیدات پیش روی نظام برای آنها ایجاد می‌کنند، به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یابند.

۸-۳. وضعیت آینده: توصیه‌هایی برای تحقق دورنمای مطلوب

- ۱) ایفای نقش ثبات‌ساز و تداوم مبارزه با تروریسم و جلوگیری از گسترش عقاید و نفوذ آنان در منطقه؛
- ۲) تقویت و ترویج هر چه بیشتر دین و آموزه‌های آن و اهمیت‌دادن هر چه بیشتر به این مقوله در اداره امور سیاسی - اجتماعی؛
- ۳) نظارت بر فعالیت و عملکرد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی؛

۴) مقابله با توطئه‌ها و تهدیدهای دشمنان در قبال انقلاب و نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛

۵) تقویت هر چه بیشتر وحدت، انسجام و همبستگی سیاسی- اجتماعی؛

۶) فراهم کردن بسترها و زیرساخت‌های گوناگون به منظور اصلاح ساختار اقتصادی کشور برای رهاشدن از محدودیت‌های گوناگون به‌ویژه محدودیت‌های اقتصادی توسط قدرت‌های بزرگ به‌منظور ضربه‌زدن به انقلاب و دستاوردهای آن؛

۷) افزایش هر چه بیشتر نقش مردم و به همان اندازه کاهش نفوذ و نقش دولت در اداره و مدیریت امور.

بر این اساس می‌توان برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران سناریوهای مختلفی در نظر گرفت، دو مقوله مهم رهبری و مردم و خواسته‌های آنان از نظام سیاسی از جمله مواردی است که در توصیف وضعیت آینده جریان‌های سیاسی بسیار مهم و اساسی است، با توجه به این دو مقوله می‌توان سناریوی محتمل برای آینده جریان‌های سیاسی را سناریوی نخست دانست. البته تحقق این امر نیازمند توجه به مطالبات مردم در نظام سیاسی و ضرورت ایجاد و حفظ همبستگی و انسجام سیاسی بین اقشار و گروه‌های مختلف جامعه و کم‌کردن نقاط اختلاف و تضاد بین جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در سایه مدیریت و رهبری مقتدر در جامعه است، در صورت نادیده‌گرفتن مردم، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و از بین نبردن زمینه‌های اختلاف و تضاد در نظام سیاسی زمینه برای نفوذ و گسترش جریان‌های سیاسی که در تضاد با انقلاب اسلامی و اصول و دستاوردهای آن قرار دارند، فراهم می‌شود. این امر در سایه رشد و توسعه ارتباطات در عصر جهانی‌شدن و گسترش شبکه‌های اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

فرجام

آینده‌پژوهی و شناخت آینده مسائل و موضوعات مطرح در جامعه به‌عنوان ضرورتی مهم برای اداره امور سیاسی- اجتماعی و اتخاذ رویکردهای متناسب با آن در زمان حال است. با توجه به اهمیت روزافزون آینده‌پژوهی و کاربرد همه‌جانبه آن در حوزه‌های گوناگون تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، در این مقاله نیز با این رویکرد به بررسی آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴ پرداخته‌ایم. در واقع هدف از انجام این پژوهش مطالعه درباره جریان‌های سیاسی ایران و آینده آنان بود که با تأکید بر روش سناریونویسی و ماتریس عدم قطعیت‌ها صورت گرفت. در مباحث آینده‌پژوهی، پیشران‌ها از میزان تأثیرگذاری یکسانی برخوردار نیستند. در این راستا به شناسایی پیشران‌هایی که از اهمیت و عدم قطعیت بالایی برخوردارند با استفاده از نظرستجی از

افراد متخصص و صاحب‌نظر در این حوزه به روش پرسشنامه‌انجام شد. این پیشران‌ها به‌عنوان عدم قطعیت‌های مهم در حوزه جریان‌های سیاسی محسوب می‌شوند که بر مبنای آن به نگارش سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی پرداخته‌ایم.

با توجه به دو عدم قطعیت مهم (رهبری و مردم) چهار سناریو برای آینده جریان‌های سیاسی ایران مطرح گردید که در این میان بهترین و بدترین وضعیت برای آینده آن در نظر گرفته شد. بر این اساس، چارچوب کلی سناریوها بر اساس چهار مؤلفه ضعف، قوت، تهدید و فرصت طراحی گردید. با توجه به این مورد سناریوی نخست در این حوزه سناریویی است که به‌عنوان مطلوب‌ترین سناریو برای آینده جریان‌های سیاسی در ایران مطرح است. در این سناریو بر نقاط قوت و فرصت تأکید می‌شود. این سناریو به‌عنوان وضعیت مطلوب و ایده‌آل در حوزه جریان‌های سیاسی ایران است که همین امر ضرورت اتخاذ راهبردهای مناسب به‌منظور تحقق آن در آینده را ایجاب می‌کند. در این سناریو، جریان‌های سیاسی جامعه در سطوح گوناگون خود همراه با انقلاب اسلامی ایران و آرمان‌های آن بوده و با توجه به وحدت و همبستگی به‌وجودآمده میان آنها و تقویت مبانی فکری و اعتقادی خود بر مبنای آموزه‌های انقلاب اسلامی و تبدیل فرصت‌های پیش‌رو در آینده به موقعیت‌های مناسب سیاسی-اجتماعی به‌منظور تثبیت هر چه بیشتر انقلاب اسلامی، از نفوذ و رخنه هر گونه جریان‌های سیاسی مخالف نظام و انقلاب اسلامی جلوگیری کرده و در راستای آن ثبات نظام جمهوری اسلامی حفظ خواهد شد.

در سناریوی دوم مطرح‌شده در این حوزه اگرچه جریان‌های سیاسی جامعه با رهبری و مردم یا همان نقاط قوت موجود در سیستم سیاسی همراه هستند، اما این همراهی به‌صورت نهادینه‌شده نبوده و با فراهم‌شدن زمینه یا به عبارتی تهدیدات موجود در عرصه داخلی و خارجی تلاش می‌کنند، اهداف مدنظر خود را که در آن چرخش‌های عمده‌ای به وجود آمده است، پیگیری کنند. درواقع در این سناریو جریان‌های سیاسی با ماهیت انقلاب و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران مشکلی ندارند، اما در صورت عدم تأمین خواسته‌ها و مطالبات آنان در نظام سیاسی درصدد ایفای نقش فعال و جدی در این حوزه هستند. نمونه این امر را می‌توان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و تحولات بعد از آن مشاهده کرد که در آن به دلیل عدم تأمین خواسته و مطالبات برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی جامعه، آن بخش از افراد تأثیرگذار در حوزه جریان‌های سیاسی به بروز مخالفت در این عرصه به‌منظور تحقق اهداف مدنظر خود پرداخته‌اند. درواقع در این سناریو، نقش افراد و شخصیت‌های فعال در حوزه جریان‌های سیاسی برجسته می‌شود. این سناریو نیز به عنوان سناریوی خوب در ارتباط با آینده انقلاب اسلامی ایران مطرح است که در صورت عدم مدیریت صحیح و اتخاذ راهکارهای مناسب

به‌منظور از بین‌بردن زمینه‌های ایجاد تهدید در جامعه می‌تواند آثار و نتایج مهمی را از خود در ارتباط با آینده جریان‌های سیاسی بر جای گذارد.

سناریوی سوم در ارتباط با آینده جریان‌های سیاسی در ایران، سناریویی است که در آن وضعیت جریان‌های سیاسی بدتر از گذشته است. در این سناریو جریان‌های سیاسی مؤلفه‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی را نادیده گرفته و به عبارتی بر نقاط ضعف تأکید می‌کنند. از طرف دیگر سعی می‌کنند، با استفاده از فرصت‌ها و زمینه‌های موجود در عرصه داخلی و خارجی به ایجاد تغییر و تحول در جامعه در راستای اصول و اهداف مدنظر خود بپردازند. در واقع، کلیت نظام مورد قبول آنان بوده، اما به دنبال ایجاد تحولات در اداره و مدیریت نظام سیاسی بوده و با استفاده از فرصت‌های موجود در عرصه داخلی تلاش می‌کنند به اهداف از پیش تعیین‌شده خود دست یابند.

در سناریوی چهارم که به‌عنوان بدترین وضعیت از جریان‌های سیاسی است، وضعیت فاجعه‌آور را می‌توان برای آینده آنان در نظر گرفت. در این سناریو نیز، عدم قطعیت‌های کلیدی توسط جریان‌های سیاسی نادیده گرفته می‌شود، اما با توجه به تهدیدات موجود در عرصه داخلی و خارجی، سعی در براندازی ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران و جایگزینی نظام سیاسی مدنظر خود در جامعه دارند. در این سناریو جریان‌های سیاسی از لحاظ اصول و مبانی فکری خود دچار تغییر و تحولات عمده‌ای می‌شوند که با اصول و مبانی دینی حاکم بر جامعه ایران بسیار متفاوت است. در واقع در سایه رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در عصر جهانی شدن و گسترش ارتباطات از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضای سایبر، عناصر تهدیدآفرین نظام سیاسی در جامعه نفوذ کرده و به تخریب مبانی فکری جریان‌های سیاسی می‌پردازند.

بدین ترتیب می‌توان گفت، سناریوی نخست به‌عنوان مطلوب‌ترین آینده برای جریان‌های سیاسی ایران است. در این زمینه عدم توجه به عناصر وحدت‌بخش مردم در نظام سیاسی بی‌توجهی به عوامل چالش‌زا و تهدیدآفرین خارجی و داخلی می‌تواند حوزه جریان‌های سیاسی و آینده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشیده و آینده مطلوب در حوزه جریان‌های سیاسی را محقق نسازد. شرط مهم و اساسی در این زمینه توجه به اصول و مبانی انقلاب اسلامی و حرکت در راستای اسلام و آموزه‌های اصیل آن است؛ در غیر این صورت آینده‌ای مطلوب در حوزه‌های گوناگون به‌ویژه جریان‌های سیاسی تحقق پیدا نمی‌کند و شرایط برای فعالیت جریان‌ها و گروه‌های سیاسی که به دنبال ایجاد تحولات بنیادین و ساختاری در تمامی سطوح جامعه ایران هستند، فراهم می‌شود.

منابع فارسی

- بل، وندل (۱۳۸۶)، «مقصود ما از آینده‌پژوهی چیست؟» در ای. ریچارد اسلاتر، *نواندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- چرمک، توماس (۱۳۹۴)، *برنامه‌ریزی سناریویی در سازمان: چگونگی خلق، به‌کارگیری و ارزیابی سناریوها*، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰)، *جریان شناسی فکری و فرهنگی ایران معاصر*، تهران: تعلیم و تربیت اسلامی.
- خواججه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲)، *رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، *لغت‌نامه* (فرهنگ متوسط دهخدا)، تهران: دانشگاه تهران.
- رکوعی، ایمان (۱۳۹۴)، *آینده اسلام سیاسی در مصر با توجه به تحولات سال‌های ۲۰۱۱ به بعد*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۴)، «پدیده‌های نوظهور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و نقش آنها در پیشرفت ایران»، تهران: *چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال و آینده*.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵)، «کامیابی یا ناکامی جریان‌های سیاسی اپوزیسیون نواندیش عصر پهلوی»، *زمانه*، شماره ۵۳ و ۵۴.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۳)، *تحلیلی بر چارچوب مطالعاتی آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران: آفتاب توسعه.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۸)، *اندیشه سیاسی در ایران بعد از انقلاب*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- لیندگرن، ماتس و هانس باند هولد (۱۳۹۰)، *طراحی سناریو: پیوند بین آینده و راهبرد*، ترجمه عزیز تاتاری، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

منابع لاتین

- Bell, Wendell (2003), *Foundation of Futures Studies: History, Purposes, and Knowledge (Human Science for New Era)*, London: Transaction Publishers.
- Schoemaker, P.J.H (1995), Scenario Planning: A tool for strategic thinking, *Sloan Management Review*, Vol.36, No.2: 25- 40.
- Schwartz, p (1991), *The art of the long view: planning for the future in an uncertain world*, NewYork: Ddoubleday.
- Slaughter, R. A. (Ed.) (2002), *New thinking for a New Millennium: The knowledge base of futures studies*, Routledge.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی